

Test-texts Persian/Arabic

۱۳ آبریل ۲۰۱۵

التهتويات

خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویسی نام دارد. به خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه‌ای هضم باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نیکارشی یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند. [۱] از این رو خوشنویسی با نیکارشی ساده مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تاییدگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن. تعادل میان مفید و مہود مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملامت نام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.

اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی نیرقابل تغییر بر خودارزنده. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های هضمی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم الخط» ها و «آداب المشق» ها از جاب اساتید بزرگ تدبیر و ارائه شده‌است. قرارگیری کلمات نیز- یعنی «گوسی»- هر سطر هر چند نه به صورت کامل پیش‌بینی و تکلیف شده - که ناهکن بوده‌است - اما به شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسلامی

خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیت خاص داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به کار می‌بردند. [۲] خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده

است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند هجری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطقی تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است.

قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است. [۶]

در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقدم‌سته معروف شدند که عبارتند از: حقیق، ریحان، ثلث، نسخ، رقا و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازدهگانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود، مجازی، نزول، مجازی، اصل، صفا و شأن. [۷]

یک قرن بعد از ابن مقله، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کاتب نمود. [۸]

خوشنویسی ایرانی

در حالی که عمده تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافت خاص است.

در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوه نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزیینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج گال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود. [۹]

آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون نیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده

و بازگرفته است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته است. هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و نیرمذهبی قلم‌هایی را بیشتر بازگاری می‌کردند، اما اوج هنرمندی آنان - بر خلاف خوشنویسان ایرانی - در خط ثلث و نسخ و کاتب قرآن و احادیث قابل رویت است.

در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کاتب قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی جزا و مختص به خود آفریده‌اند.

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدللی منشی استرآبادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد. [۱۰]

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرده. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید. [۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد.

بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شده. حالت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و علاقه‌مندی ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به خاطر سرعت در کاتب، شکسته نستعلیق آن را نیز بوجود آوردند. [۱۲] درویش عبدالحید طالقانی این خط را به کمال رسانده.

در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کاتب را از دست داد. از یک سو با تاکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنرناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج

كُتِبَتْ بَخَانَهَا و مجموعهاى خصوصى به إستراجماع كشاند و جریانات هنرى مدرنى شیوههائى چون نقاشیخط را به وجود آوردند كه مكان مورد توجه محافل هنرى جهان است.

در سالهاى پس از انقلاب اسلامى خوشنویسى با اقبال عمومى روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران كه در سال ۱۳۲۹ تشكيل شده بود نقش بارزى در رشد و توسعه كمى و كیفى این هنر به عهده گرفت. همچنین خطى به نام معلى در سالهاى اخیر با تأثیر از خطوط اسلامى - ایرانى ثكث و شكسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمى ابداع گردید كه تا حدى مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسى ایران را مى توان به ابتكارات خوشنویسى سبحان مهرداد حمیدپور اشاره كرد. خط سبحان يك خط قانونمند همانند نسخ و ثكث بوده و قابلیت گأبت و كتیبه نویسى فارسى و عربى را دارا مى باشد و آن را در دسته ى خطوط كامل همانند خطوط شش كانه قرار داده اند.

فن الخط

فن الخط وهونوع من الفنون البصرية. وهو نالبا ما يطلق حلى فن الكتابة (Mediavilla) ۱۹۹۶: ۱۷. والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معينة، ومتناغمة، وماهرة" (Mediavilla) ۱۹۹۶: ۱۸. قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متعدد في إطار المهارات التقنية، وسرعات التحليل وهندسة المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer) ۱۹۶۸: ۴۴. ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه خطي، أو نسخ أو بجدي (فرز و Kwiatkowski ۲۰۰۶: جوستون ۱۹۰۹: بلديت ۶).

يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير الجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla) ۱۹۹۶. يختلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي. وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء؛ وهي تاريخيا حروف منظمة ومع ذلك سلسلة وتلقائية ومرتبلة في عظمة الكتابة (بوت ۲۰۰۶ و Zapf ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶).

ويستمر الخط العربي في الازدهار في أشكال دعوات الزواج والاعداث، وتصميم بط / الطباعة، وتصميم الشعار باستددام خط النسخ، والفن الديني، والاعداث / التصميم الجرافيكي / وفن الخط، والنقش حلى القطع الحجرية ووثيقة العزاء. ويستخدم أيضا من أجل الاعداث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون، والشهادة في القضايا، وشهادات الميلاد والوفاة، والخرائط، وغيرها من الاعمال التي تتطلب حلى الكتابة.

الادوات

الاداة الرئيسية في فن الخط هو القلم، مشطوف الرأس والمذنب و الريشة. وهناك العبارة

عن حيزتي القوام يستند في الكتابة، وكذلك من أدوات الخط الورق حالي الجودة.

الفنون البصرية

الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركّز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة، مثل الفنون التشكيلية التقليدية (الخزف، الرسم، الرسم الفني، النحت، العمارة، والطباعة)، الفنون البصرية الحديثة (التصوير الفوتوغرافي، الفيديو وصناعة الأفلام)، والتصميم والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفن الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية، بالإضافة إلى أنواع أخرى، وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة.

والمفهوم المتغير الذي يستخدم لـ"الفنون البصرية" يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية، ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن 20th "الفنان التشكيلي" يعود على الشخص الذي يعمل في مجال الفنون الجميلة (مثل الرسم، النحت، أو الطباعة) وليس مجال الأعمال اليدوية والحرفية، أو من يطبق ضوابط الفن. وأكّد المميز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف اليدوية الذين يقدرون أشكال الفن العامة بقدر الأشكال المعاصرة. الحركة تتناقض مع المتحررون الذين سعوا بحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال إبقائها مقصورة على فئة معينة من الناس. [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين هارسون للفن.

فن الكمبيوتر

الفنانين البصريين لم يعد يقصر عمله على وسائل الفن التقليدي. أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة إدخال/0 أو قالب:DN. التحرير. لاستكشاف مكونات متعددة، للطباعة (بما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد.

فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة، فيديو أقراص مضغوطة، دي في دي، لعبة فيديو موقع، خوارزمية، أداء، أو تثبيت معرض رسوم. العديد من التخصصات التقليدية التي قد تقوم بلحج التقنيات الرقمية و، نتيجة لذلك، الخلط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة. على سبيل المثال، الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحسائي و غيرها من التقنيات الرقمية. نتيجة لذلك العديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا. ومع ذلك، هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية.

حلی الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلاً قائماً بذاته وهذه التكنولوجيا حلی نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلاً من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي.

استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامين، المصورين، عرّين الصور، الفاذج ثلاثية الابعاد، وفنانو الحرف اليدوية. راجع التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطّرين الصور. قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة. الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومخطط الصفحة أقل وضوحاً بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة، وخاصة المراقبين الذين يفتقرون للبراعة.

آرت

آرت ایسے کم یا کمال نی آکھیا جائدا اے جیدے وچ چیزاں نی انساناں نال ایج دسیا جائدا اے جے اوہ سوھنیاں لکن۔ آرت دی بنی شی کوئی کہانی دسدی اے یا صرف کوئی سوھناج یا مسوس ہون والا جذبہ۔ انسائیکلوپیڈیا بریٹانیکا آرت نی ایج دسدا اے، "اوہ سوھنیاں شیواں، عھول، یا تجربیاں جہاں نی دوجیاں نی وی دسیا جا سکے تے جہاں دے بنان وچ سوچ تے گر نی ورتیا گیا ہوئے۔" ایہی آرت وچ مورتاں، (Painting) بنی بنا (Sculpture)، تے فوٹوگرافی آتے نی۔ آرکینیکچر نی وی ویکھے جان والا آرت وچ کھیا جائدا اے پر اوھدے وچ اوس شے تے کم لینا اوھدے بنان دا مذھ ہویدا اے۔ موسیقی، تھیٹر فلم نی آرت نال رہ گیا جاسگا اے۔

آرت فلسفی دی اک ونڈ اے جیدے وچ ایڈی اصل ایڈا بنانا تے لہنی دسنا آتے نی۔ آرت اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نی دسن یا کسے ہور تک ایزان لئ۔ ارسطودی فلسفی وچ آرت اک ودیا تے آئیڈیل نقل (Mimesis) اے۔ لیونالسنائی لہنی اک بندے توں دوجے بندے تک کل ایزان دا پنھا ول کیندا اے۔ مارٹن ہائیڈگر دی اکھ وچ آرت اک ایسا ول اے جیدے راھیں کوئی سنگت اپنا آپ دسدی اے۔

تاریخ

وینس ولنڈورف

آرت دے سب توں پرانے نمونے پھیر ویلے توں لہدے نی وینس ولنڈورف 24,000 توں 22,000 م پ دی اک زنانی دی پھیر دی بنی مورتی اے جیڑی آسٹریا توں لی سی۔ ہسکو فرانس وچ زمین دے اندر تارار وچوں 17,300 ورے پرانیاں جانوراں تے انساناں دیاں مورتاں کنڈاں تے بنیاں ملیاں نی۔ لہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیا اے۔ وشکارلہ پھیر ویلہ 6000-8000 م پ لنگان

تے بیولتھک ویلے 3000-6000 م پ وچ انسان نے وائی پچی تے اک تھان تے ڈک کے رھنا سکھیا، رھتلے کنبلیاں ہوئیاں تے مذہب نے وی مانا پائی تے انسان نے اپنے فیدے لئی ہتھ نال کئی چیزاں بنائیاں سکھیاں تے فیرکاشی ویلے 1000-3000 م پ وچ پھلیاں انسانی رھتلے پوگریاں۔ پرانے مصر، پرانے عراق، فارس، ہزپہ رھتلے، چین، پرانے یونان، روم تے انکا تے مایا دیاں رھتلے نے اپنیاں آرٹ دیاں رساں اپنیاں ضرورتاں تے اپنے کول ہون والیاں شیواں توں بنائیاں۔ آرٹ اودوں لکھائی دے بن نال نرڈا اے۔ لکھائی اپنے مذہ ویلے توں تے بیمار دے کم نوں سوکھا تے لین دین نوں یاد رکھن لئی بنی۔ لکھائی پہلے موتاں نال تے فیروازاں نوں نشان دے کے تے اوهناں نوں جوڑ کے بنائی جائدی اے۔

پرانا عراق

پرانے عراق دا آرٹ دجلہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار 6 ہزار ورے پہلے توں اوتھے پوگرنا والیاں اشوری، سمیری، کالڈی، رھتلے وچ بنیا۔ ایبھی دے آرکینیکچر وچ ات تے ذات دا ورتن سی تے ایڈے نال زکومت، مندر تے وکھریاں پلہراں والے هرم بنائے کئے۔ ہڈاں وچ وکھریاں پلہراں تے سوہنے رکھ کئے جہڑے پرانی دنیا دیاں 7 نوپکلیاں شیواں وچوں سن۔ بتی بنان دا ول لکھن توں چھل کے تے نقشی دہکی پھر نال بنیا تے لیہناں نال مذہبی، شکاری تے فوجی وکھا لے انساناں تے جانوراں نال بنائے جائدے سن۔ سمیری ویلے وچ نیگاں بتیاں جتاں دے گارے تھکے، رنگے پھر دیاں، گنجے سر تے چھاتیاں تے ہتھ سن۔ اکادی ویلے دیاں بتیاں دے سر دے وال لمے تے دازیاں سن جیوں نارام سین۔ عموری ویلے دیاں بتیاں نوں کاش گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدے چ گڈیا نے چادر سر تے توپی تے ہتھ چھاتی تے رکھے نیں۔ اشترپوآ جہڑا بابل وچ 575 م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے آرکینیکچر آرٹ دی وڈی نشانی اے تے ایڈا کج حصہ پرکامون میوزیم، برلن وچ ھے۔

کیول شیزنی 5000 ورے پرانی کٹم پھر دی بتی اک موتی اے۔ عراق وچ ایہ اودوں بتی جدوں چہیہ تے لکھن دا ول بنے کئے۔ نکھن عراق وچ ارک وچ کول پیپ ورگاں ہراں تے بنیاں موتاں کھانی سٹاندا اک نوپکلا ول سی۔ ایہ ہراں پھر مٹی یا کسے ہور شے دیاں وی بنیا ہوسکدیاں سن۔ رات دی رانی عراق چوں لی کوئی 3800 ورے پرانی پھر تے بتی عورت دیوی دی بتی اے جیدے پیر پجھی ور کے دوا لے پر، ہجے کھبے شیر تے الو نیں۔ گڈیا دی بتی 2144 - 2124 م پ ورے پرانی اے۔ اردا سڈینڈرڈ، کھڑی بگری، نابہ بلد تے گدھ دی یادگار پرانے عراق دے آرٹ دیاں منیاں پرمنیاں نشانیاں نیں۔

لکھائی دا ول بن نال پرانے عراقی لکھتاں وچ وی اپنے آپ نوں دسدے نیں۔ کلکامش 17 صدی م پ وچ لکھی کئی ایڈے وچ سمیری تے اکادی دیوتاواں دیاں کھاتیاں نیں۔ اٹراہسس، اکادی ویلے

دی اک لکھت اے جید ے وچ ہز آن دی کھانی دسی گئی اے۔ بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں
میں پرانی لکھت انوما الیش اے جید ے وچ ایس کائنات دے بن دی کھانی دتی گئی اے۔

پرانا مصر

ملکہ بیفریتی

پرانا مصری آرٹ 5000 م پ توں لے کے 300 تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری رھتل دی
نشانی اے تے ایہد ے وچ مورتاں، بتیاں، آرکینیکچر تے رلیاں چیزاں آندیاں نیں۔ ایہ مصری آرٹ
پراناں قبرباں تے یادگاری تھانواں توں لبیا تے ایسج ایڈے وچ مرن مگروں جیون تے پرانی جانکاری
نوی بچان تے زور اے۔ ایہ آرٹ 3000 م پ توں لے کے تہی صدی تک تے اچھے دوسرے
تے تیسرے زبرویلے وچ بنیا۔ 3000 ورے دے لمے ویلے وچ ایڈا تے باہر دا کڑی اثر ناں پیا
تے جس ودیا ول نال ایہ تریا تے بنایا گیا انت تک بچ دا ای ریا۔ ایس ویلے دا منیا آرٹسٹ پیپلو
پکاسو مصری آرٹ توں اثر لیندا اے۔

مصر اک سکا دیس ہون باجی ایہے بنیاں مورتاں تھیک ملیاں نیں۔ مصر دیاں بتیاں وچ سب
توں چکھیاں جاناں جان والیاں رامسیس II، اخناتون، بیفریتی، اوسکون II، امہنوپ III، منکار
تے نختامون نیں۔ مصری پانڈے پتھر توں لے کے مٹی نال بندے سن تے اوہنے تے کا لے یا
رنکے نقش بنے ہون ے سن۔ لہناں وچ حام گر وچ ورتن دے پانڈے مہربان، گرے نیں۔

مصری مندراں، عداں، ہرماں، قبرباں، تے ہر کوئیاں نوں بنان وچ انت، ہ، ٹم پتھر، ریلہ پتھر تے
گریٹ ورتے کے۔ لکڑ تھوڑی ہون باجی ایڈا ورتن تھوڑا اے۔ خوفودا اہرام، ابوالہول، گرنا ک،
لکسر، ادفودے مندر ایڈے وڈے امہارن نیں۔ مصری لکھتاں تے مورتاں بنان لئی پیپاؤس ورتن ے
سن۔ ایہ اک بوڑھے توں بنایا جاندا سی۔ ایڈیاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا ہر کلاسیکی
دنیا وچ وی ایڈا ورتن سی پتھر تے ہور ناں رھیاں۔

پرانا یونان

پرانا یونانی آرٹ بتیاں، آرکینیکچر، پانڈے تے مورتاں وچ دسد اے تے ایس نے یورپ تے ایشیا
وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیں۔ یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں وہن تے
نمویاں وچ بندے سن۔ پانڈے جناں وچ مہربان تے پکیناں تے حام زندگی دیاں مورتاں بنیاں
ہونداں سن۔ یونانی آرکینیکچر اپنی شان، سادگی تے سونپ وچ اپنی امہارن آپ اے۔ پرکامون،
پارتھینن، ہیفسٹس دا مندر ویکھن والیاں تھانواں نیں۔ مائلو دی وینس، سمپتھرس دی ٹائیکے،
یونانی بتیاں دیاں ودیا امہارن نیں۔

نکھنی ایشاء

نکھنی ایشاء وج آرت دی ریت ہڑیہ رھتل توں زدی ہوئی آج دے ویلے تک اپدی اے۔ بانڈے بتیاں آرکینیکچر، مورتاں تے ایہ آرت ویکھیا جاسکدا اے۔ مہنجدازو دی چندی کری، پدّت بادشاہ، مہراں جہان تے ہاتھی بلد تے سواستیکا بنے ہوئے سن، تے مئی دے وڈے مہرباناں تے پانڈیاں تے مورتاں اوس ویلے دے آرت دا دکھالہ نیں۔ بت بنانا ہندو جین تے بدھ مت دی ریت رتی اے۔ اجنتا دے تاریانی ہندستانی جی دی اک ودیا تھان اے۔ ہندو ہزاراں وریاں توں اپنے دیوی دیوتاواں وشنو شیوا، لکشمی، گنیش، ہنومان، اندرا، رام تے سرسوتی دیاں مورتاں تے بتیاں بنا کے مندراں تے گراں وچ رکھدے آئے نیں۔ اٹلے پنجاب وچ گنہارہ بدھ مت دے آرکینیکچر دی وڈی تھان سی۔ ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیون دے دوا لے نیں تے ویلے نال لیہناں دے بنان وچ تبدیلیاں آئیاں تے یونانی رنگ وی دسدا اے۔ مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسدا اے۔ مغل راج ویلے دیاں مورتاں مغل بادشاہواں تے اوہناں دے جیون دے دوا لے ای بنیاں نیں۔ کانگرہ راجپوت تے پنجاب مورتاں بنان دے مغل مگروں وکھرے سکول سن۔ مورتاں دے ول نوی انگراں نے آگے اپنا رنگ وی چارایا۔ قطب مینار قطب الدین ایبک دی جت تے دلی وچ بنایا گیا اک مینار اے۔ آرکینیکچر وچ پرانے قلعیاں مندراں دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکینیکچر ہندستان دی پہچان بددا اے۔ تاج محل، بادشاہی مسجد، شاہ مارباغ، شاہی قلعہ مغل آرکینیکچر دے کج نشان نیں۔

اسلامی خطاطی

اسلامی خطاطی : یہ ایک فن ہے، جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے۔ بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن۔ [1] اس فن کو اسلام سے جوڑ دیا گیا، اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوا ہے۔ اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریف اور تحفظ، اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی۔ [2]

یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذری زبانوں میں بھی عام ہے۔

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سراہی گئی۔ مذہب اسلام کے ماننے والے دیا گئے مختلف ہالاک میں ہیں، اور مختلف زبانی بولتے ہیں۔ یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانی کوجہز نے کا کام کیا ہے۔ عربی، فارسی، اردو، سنہلی، آذری، ترکی و غیرہ زبانیوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا۔ قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا۔ چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے، کتاب حضرات ہی ان زبانیوں میں کتابت اور اشاعت کا بیڑا اٹھایا۔ عثمانیہ دور میں 'دیوانی' خط عروج میں آیا۔ دیوانی خط کا ایک روپ 'جلی دیوانی' یا 'دیوانی الجالی' ہے۔ رفتہ رفتہ، 'رقع' خط کا ارتقاء ہوا۔

اشیاء خطاطی [ترمیم]

رواجی طور پر خطاطی کے لیے، قلم، دوات اور رنگ۔ اہم ہیں۔

• قلم : خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں۔ ”رو“ یا ”بائی“ یا ”بمبو“ کے قلم مشہور ہیں۔ قلم کی نوک، حرفوں کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں۔ حروف جتنے چوڑے، قلم کی نوک اتنی چوڑی۔

• دوات : دوات، شی، اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں۔

خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں۔ شہر حیدرآباد دکن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی اردو، حاجد حلی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ترقی دے رہے ہیں۔

مساجد اور خطاطی [ترمیم]

اسلامی ”مسجد خطاطی“ یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے۔ مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر گنبدوں پر، اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر۔ فن خطاطی کا ایک مرکب ہے۔

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحیم، اور اللہ - حمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے۔ ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے

عربی زبان

عربی (العربية al-'arabiyyah یا عربی/لغة عربية 'arabi)، سامی زبانی میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانی سے بہت ملحق ہے۔ جدید عربی کلاسیکی عربی زبان (فصحی عربی یا اللغة العربية الفصحی) کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے۔ فصحی عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے۔ فصحی عربی اور یو لے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے یو لے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے۔ عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانی مثلاً اردو، فارسی، ترکی و نیرو پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانی میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں۔ عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں۔ عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی و نیرو۔ مگر تمام لہجے میں یو لے وا لے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے۔ یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزه سمیت 29 حروف تہجی ہیں جنہیں حروف

۱ بجد کھا جاتا ہے۔ (Arabic language)

حروف تہجی

حروف تہجی سے مراد وہ حروف ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی حروف ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں۔ بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لکڑی نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں۔ جنہیں حروف ا بجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے۔ ا بجد ہوز حطی کمن سعفص قرشت ثخذ ضطخ۔ انہیں حروف ا بجد بھی کہتے ہیں۔ حاتم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے۔ جو کچھ یوں ہیں۔

اس طریقہ سے اگر ہم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو 786 بنتے ہیں۔ بعض لہلہ حاتم ہمزہ (ء) کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں۔ اس حساب سے پھر عربی کے انیس حروف تہجی بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں ہمزہ سمیت کل 37 حروف ہیں۔ اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کہ، یہ و یوہ۔ اردو میں فن نایخ کٹی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی نایخ برآمد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ا بجد جیسے ہی ہیں۔ اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً 'پ' کے اعداد 'ب' کے برابر، 'ڈ' کے اعداد 'د' کے برابر، 'ک' کے اعداد 'ک' کے برابر اور 'ع' کے اعداد 'ق' کے برابر شمار کیے جاتے ہیں۔